

ظرفیت‌شناسی عمان در حوزه مقاومت

مسلم نیکخواه¹

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیست و دوم، شماره 4، پیاپی 88، زمستان 1400؛ صفحات 114 - 89

تاریخ پذیرش نهایی: 1400/09/15

تاریخ دریافت: 1400/09/02

چکیده

در شناخت ظرفیت هر کشور، در واقع عرصه دیپلماسی و سیاست خارجی آن کشور زمینه‌ای است برای درک وضعیت آن کشور و کنش در فضای محذورات و مقدورات آن. به این صورت که در بخش محذورات بر تنگناها و ناتوانی‌های یک کشور و در قسمت مقدورات، بر توانمندی‌های دیپلماتیک و سیاست خارجی آن کشور تأکید می‌شود. اهداف دکترین سیاست خارجی هر کشور، ارائه اصول کلی برای هدایت سیاست خارجی و انجام دیپلماسی است. عمان یکی از کشورهای باثبات زیرمنطقه خلیج فارس در خاورمیانه، تلاش کرد در کنار ثبات سیاسی داخلی و حفظ آن، به‌عنوان یک کشور فعال در عرصه دیپلماسی به حفظ روابط متعادل خود با همسایگان نیز پردازد و در سال‌های اخیر بارها به عنوان میانجی بین ایران و کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ ظاهر شده است. سؤال اصلی در این نوشتار این است که ظرفیت عمان برای ایفای نقش میانجی‌گری در مسائل منطقه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت چیست؟

واژگان کلیدی

ظرفیت، عمان، دیپلماسی، سیاست خارجی، مقاومت

مقدمه

میانجی‌گری به عنوان یکی از روش‌های مسالمت‌آمیز حل اختلافات در منشور ملل متحد مورد توصیه قرار گرفته و به رسمیت شناخته شده است (ماده ۳۳-۱). در تعریف اصطلاحی این مفهوم در حقوق بین‌الملل آمده است: میانجی‌گری به شیوه‌ای دیپلماتیک گفته می‌شود که در آن طرف ثالث (کشور، سازمان بین‌المللی یا یک شخص وابسته به آنها) برای پایان بخشیدن یا کاهش اختلاف بین دو طرف منازعه به صورت مستقل یا به درخواست یکی از طرفین یا دیگری وارد می‌شود و به صورت دوستانه و با حسن‌نیت در حل و فصل آن مساعدت و همکاری می‌کند. در طول تاریخ کشورها، سازمان‌ها و نهادهای زیادی نقش میانجی را در منازعات و تجدید سازمان روابط کشورها بازی کرده‌اند که یکی از این کشورها، عمان است. در سه دهه اخیر، عمان این نقش را ایفا کرده و در تلاش است به عنوان میانجی در حل مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی ایفای نقش کند.

عمان به عنوان یکی از کشورهای باثبات زیرمنطقه خلیج فارس در خاورمیانه، تلاش کرد در کنار ثبات سیاسی داخلی و حفظ آن، به حفظ روابط متعادل خود با همسایگان نیز پردازد و در سال‌های اخیر بارها به عنوان میانجی بین ایران و کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ ظاهر شده است. باید توجه کرد که گرچه از لحاظ تاریخی بین سال‌های هفتاد میلادی و در اوج تقابل شرق و غرب و در چارچوب قواعد نظام دو قطبی، خود درگیر بحران بزرگی به نام جدایی طلبان منطقه ظفار بوده است و کمک‌ها و حمایت‌های نظامی ایران در آن دوره تاریخی باعث تثبیت پایه‌های حاکمیت کنونی به رهبری سلطان قابوس شد که می‌تواند به عنوان فاکتوری کلیدی در چرایی این ایفای نقش مورد بحث قرار گیرد، اما عمان تقریباً از دهه ۱۹۸۰ با استقرار ثبات سیاسی و اجتماعی به رهبری سلطان قابوس با یک راهبرد ثابت که بهترین تعبیر از آن «راهبرد توسعه و ثبات در داخل و صلح و آرامش و همزیستی مسالمت‌آمیز برای منطقه» است، سیاست داخلی و خارجی خود را شکل داده است. در حال حاضر، عمان از قبل همین راهبرد اصولی به یکی از کانون‌های مورد اعتماد میانجی‌گری در حل بحران‌ها و منازعات منطقه‌ای تبدیل شده است و اعتقاد دارد که راه‌حل اساسی برای حوزه کشورهای خلیج فارس، دوری از درگیری و تلاش برای حل مشکل بین طرف‌ها، از طریق گفت‌وگوست. مسئولان این کشور به این موضوع ایمان کامل دارند که وجود بحران در هر یک از کشورهای حوزه خلیج فارس و خاورمیانه به سرعت به کشورهای دیگر از جمله عمان تسری می‌یابد.

عمان از واقعیت‌های خاورمیانه آگاه است و می‌داند که زیرمنطقه خلیج فارس یکی از کانون‌های بحران در خاورمیانه است. با توجه به رقابت‌های دیرینه بین‌عربی و عربی - اسرائیلی و



کشمکش میان برخی از کشورهای عربی با ایران به ویژه عربستان، کشور عمان می‌داند که باید استراتژی متفاوتی را در دستور کار خود قرار دهد که با توجه به این تنش‌ها، در وهله نخست این کشور را از هرگونه منازعه دور کند و در وهله دوم نیز زمینه‌ای برای کسب منافع ملی این کشور در تنش‌زدایی ایجاد نماید. با استناد به همین مسائل، در استراتژی سیاست خارجی عمان یک اصل راهبردی وجود دارد و آن استفاده از شکاف‌های سیاسی کشورهای همسایه است که به استقلال سیاست خارجی منعطف این کشور کمک می‌کند.

عمان از سال ۱۹۸۵، خط‌مشی سیاسی روشن‌تری نسبت به مسائل منطقه‌ای پیش گرفته و با حفظ موضع بی‌طرفانه، در جهت تشنج‌زدایی در مسائل منطقه حرکت کرده است. مهم‌ترین هدف سیاست خارجی عمان، اطمینان یافتن از ثبات در منطقه خلیج فارس و حفظ استقلال از سیطره عربستان سعودی است. بر همین اساس، درک وضعیت فرهنگی، تاریخی، سیاسی - امنیتی، اجتماعی و اقتصادی عمان در خاورمیانه و خلیج فارس، زمینه را برای امکان‌سنجی ظرفیت دیپلماتیک این کشور در منطقه با تأکید بر محور مقاومت روشن می‌کند. در همین راستا، مسئله اصلی پژوهش حاضر بر درک وزن و ظرفیت عمان در محور مقاومت بر اساس امکان‌سنجی وزن دیپلماتیک این کشور در دیپلماسی طرف سوم یا دیپلماسی میانجی‌گرایانه است.

چارچوب نظری (دیپلماسی نیچه‌ای)

یکی از مفاهیمی که امروزه در ادبیات سیاسی مطرح می‌شود، مفهوم دیپلماسی نیچه‌ای است که اولین بار وزیر امور خارجه استرالیا، گرت ایوانز (۱۹۸۳-۱۹۹۶) آن را مطرح کرد. به اعتقاد وی، متمرکز کردن منابع روی حوزه‌هایی خاص، نسبت به توزیع همان منابع در تمام سطح بهتر می‌تواند باعث حصول نتایج ارزشمند و کسب سود مادی و معنوی شود. دیپلماسی نیچه این امکان را به دولت‌ها می‌دهد که به دلیل برخورداری از جایگاه، شرایط یا موقعیتی مقبول که می‌تواند برگرفته از موقعیت جغرافیایی کشور، تاریخ، فرهنگ و سیاست‌ها یا ترکیبی از این موارد باشد، در جهت تحقق اهداف سیاست خارجی خود گام بردارند (هنریکسون، ۱۳۸۸: ۱۴۱). از این رو به نظر می‌رسد این نوع دیپلماسی، مطلوب بازیگرانی باشد که از آنها به عنوان بازیگران کوچک و آسیب‌پذیر نظام بین‌الملل یاد می‌شود. کشورهای کوچک به دلیل جمعیت محدود، قلمرو سرزمینی محدود، حاکمیت شکننده و اغلب وابسته، مجاورت با کشورهای بزرگ و بوروکراسی حکومتی محدود و متمرکز ممکن است عقب‌مانده و توسعه‌نیافته به نظر برسند؛ از این رو برای جبران این ضعف‌ها و کاستی‌ها از دیپلماسی نیچه استفاده می‌کنند (Albrto, ۲۰۱۲).

دیپلماسی نیچه به کشورهای کوچک این فرصت را می‌دهد تا با تمرکز بر منابع نرم‌افزاری در

حوزه‌های خاص به تولید برندهای ملی دست یابند. می‌توان برند ملی را تصور و برداشت افکار جامعه جهانی در مورد یک کشور خاص تعریف کرد (Peterson, 2006: 754). مفاهیمی مانند دولت معتبر، مهاجم، توسعه‌طلب، غیرقابل اعتماد، یاغی، سرکش، محور شرارت و... همگی برندهایی هستند که می‌تواند از یک دولت در اذهان سایر دولت‌ها نقش ببندد. همچنین در حال حاضر فضاهاى مختلفی وجود دارد که کشورها در آن به صورت مستقیم و آشکار با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. این فضاها عبارت‌اند از: صادرات برند، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، توریسم، ورزش، هنر، فرهنگ، بی‌طرفی و میانجی‌گری (رنجکش، 1392: 148).

1- ظرفیت‌های داخلی نظری، تاریخی و عملی عمان برای محور مقاومت

درک سیاست خارجی عمان بدون آگاهی از سیاست داخلی این کشور، درکی تک‌بعدی خواهد بود و برای آگاهی از سیاست داخلی این کشور ضروری است نگاهی به ساختارهای سیاسی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی آن داشته باشیم. مادامی که شناخت ما از وضعیت داخلی این کشور روشن شود فهم تنگناها، ابعاد، زمینه‌ها و چرایی سیاست خارجی عمان بر ما مبرهن خواهد شد. به همین دلیل، بحثی با عنوان بررسی مبانی ظرفیت‌های داخلی نظری، تاریخی و عملی عمان برای محور مقاومت طرح کردیم که می‌کوشد با نگاهی به وضعیت سیاسی، تاریخی، مذهبی و فرهنگی عمان، بسترهای ظرفیت‌سازی داخلی این کشور را برای محور مقاومت مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد.

- وضعیت سیاسی - مذهبی عمان

عمان از لحاظ فرهنگی- اجتماعی، حالت منحصر به فردی در جهان اسلام و عرب دارد و کشوری اسلامی با مذهب اباضی است که 75 درصد آن را اباضی‌ها تشکیل می‌دهند. آنها در طول این دوران با فراز و نشیب‌های مختلفی مواجه بودند. زمانی عمان یک امپراتوری بود که از سواحل هند و سواحل جنوبی ایران تا سواحل شرقی آفریقا را در اختیار داشت و اکنون که حکومت نسبتاً کوچکی است، بر سرزمین خود حاکم است. عمان در عرصه سیاست خارجی، کشوری محافظه‌کار است که همواره سیاست خارجی باثباتی دارد و سیاست خارجی خود را طی دهه‌های مختلف به ویژه با انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها هماهنگ کرده است. این کشور در عین حال، نوعی استقلال عمل در این عرصه برای خود قائل است و این ویژگی را حفظ کرده است. کشورهای غربی نیز نقش میانجی‌گری عمان را پذیرفته‌اند.

اهمیت عمان به علت موقعیت ژئوپلیتیکی آن است؛ زیرا در ساحل جنوبی واقع شده و بر تنگه هرمز به عنوان معبری برای تأمین سوخت جهان اشراف دارد. این کشور از لحاظ حکومتی از یک

حکومت سلطنتی مطلق تشکیل شده است و خاندان آل بوسعید در آن حاکم هستند. آنان در سال ۱۷۴۴ تشکیل حکومت دادند و همه اختیارات در عرصه داخلی به سلطان قابوس تعلق دارد. سلطان در عین حال نخست‌وزیر، وزیر دفاع، وزیر امور خارجه، وزیر دارایی و رئیس بانک مرکزی کشور است و وزاری که در این سمت‌ها انجام وظیفه می‌کنند، وزیر مشاور و برخی وزیر مسئول هستند، مانند آقای یوسف بن علوی که طی چند دهه در سمت وزیر مسئول در امور خارجه قرار داشت.

ساختار سیاسی عمان: ماهیت حکومت عمان، سلطنتی مطلقه است و همه امور در شخص سلطان خلاصه می‌شود. امور جاری این کشور، طبق فرامین صادره از سوی سلطان اداره و هدایت می‌شود و همه چیز قائم به ذات سلطان است. همچنین همه قوانین و تصمیم‌گیری‌های مهم با فرمان سلطان صادر می‌شود و همه آنها لازم الاجرا هستند. قوانین، احکام و فرمان‌ها از جانب شخص سلطان به تصویب می‌رسند و پیمان‌ها، قراردادهای منشورهای بین‌المللی پس از تأیید و امضای سلطان به طور رسمی اعلام می‌شوند. سلطان در تصمیم‌گیری‌های خود از مشورت با وزرا (شورای وزیران) و نمایندگان مجلس (مجلس شورا و مجلس سنا) بهره می‌گیرد (یگانه عباس، ۱۳۹۱: ۶۷-۶۶).

عمان تا آبان ۱۳۷۵ فاقد هرگونه قانون اساسی بود و کشور براساس فرمان سلطانی شماره ۱۹۷۵/۲۶ که در آن چگونگی تشکیل وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی مشخص شده بود، اداره می‌شد. به دنبال صدور فرمان قانون اساسی (متشکل از ۷ فصل و ۸۱ ماده)، نظام سلطنتی عمان موروثی و حق سلطنت نیز برای فرزندان ذکور، سید ترکی بن سعید بن سلطان تعیین شد. براساس ماده ۴۱، شخص سلطان، رئیس کشور و فرمانده کل نیروهای مسلح و دارای مصونیت است؛ بنابراین احترام به او واجب و اوامر وی مطاع است. وظایف سلطان براساس همین قانون بسیار گسترده است. به طور خلاصه، وی مسئول حفظ استقلال و تمامیت ارضی، حراست از امنیت داخلی و خارجی، تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندان، حمایت از حکومت قانون، هدایت سیاست کلی کشور، اتخاذ اقدامات لازم برای مقابله با تهدیدهای امنیتی نسبت به یکپارچگی ملی و شهروندان عمانی، اعلام حالت فوق‌العاده یا بسیج عمومی و جنگ و صلح، معرفی قوانین، تصویب معاهدات و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، اعلام رسمی بودجه عمومی دولت و عفو یا تخفیف مجازات‌هاست. احکام نیز به نام سلطان صادر می‌شود و به اجرا در می‌آید. همچنین وی رئیس شورای وزیران (کابینه) است و اختیار نصب و عزل معاونین نخست‌وزیر، وزرا، معاونین وزرا، مدیران کل وزارتخانه‌ها، قضات عالی‌رتبه و سفرا را برعهده دارد.

ساختار و وضعیت مذهبی عمان: پیروان فرقه اباضیه اکثریت جامعه عمان را تشکیل می‌دهند و اصولاً مردمانی آرام و محتاط همراه با رفتار و منش اجتماعی معتدل و خلق و خوی نرم هستند. آنها در سراسر مناطق عمان زندگی می‌کنند. اهل سنت از گروه‌های عمده مذهبی دیگری هستند که در

مناطق جنوبی ظفار، شهرهای صور و لوی سکونت دارند. شیعیان سومین گروه مذهبی هستند که در امتداد سواحل منطقه باطنه و استان مسقط زندگی می‌کنند و از جایگاه خوبی نزد دولت و مردم برخوردارند. با توجه به اینکه دین رسمی عمان، اسلام است، سایر ادیان از جمله پیروان مسیحیت و هندو نقشی در ساختار سیاسی کشور ندارند. بین فرق اسلامی، نفوذ مذهب اباضی بیش از سایرین است و کشور طبق اصول شرعی و عرفی مذهب اباضی اداره می‌شود.
(www.asrdiplomacy.ir).

مذهب اباضیه: مذهب حاکم در عمان، اباضیه است؛ با این حال نباید آن را با مذهب اباضی صدر اسلام یکی دانست؛ زیرا تغییرات بسیاری در این مکتب و اندیشه‌ها و عقایدش روی داده است. اباضیه یکی از فرقه‌های نخستین اسلامی است که تاریخ پیدایش آن به قرن اول هجری باز می‌گردد و تا امروز نیز ادامه یافته است. بروز و ظهور این فرقه از دوران محکمه نخستین و رد نظریات نافع بن ازرق- بنیان‌گذار فرقه ازارقه خوارج- بوده و همین مسئله سبب شده است که اغلب مصادر غیر اباضی- فرقه‌نویسان اسلامی- آنان را فرقه‌ای انشعاب‌یافته از خوارج قلمداد کنند؛ ولی منابع اباضی به شدت جزء خوارج بودن را انکار می‌کنند و نویسندگانی را که اباضیه را از خوارج می‌دانند، مورد سرزنش و ملامت قرار می‌دهند (ملک‌مکان، ۱۳۸۴: ۱۹۸).

اباضیه پیروان عبدالله بن اباض تمیمی (وفات در سال ۸۰ هـ ق) هستند. اباضیه یکی از نخستین فرق اسلامی منتقد و مخالف تندروی خوارج بود که از آن انشعاب یافت و رفتاری مبتنی بر عقل و میانه‌روی را برگزید. اباضیه با مشاهده اندیشه‌های افراطی ازارقه و شخص نافع بن ازرق از آن جدا شدند و فرقه‌ای مستقل تشکیل دادند. بنابراین، این فرقه حدود سال ۶۰ به وجود آمد؛ اما در منابع و مصادر اباضی‌ها آمده است که در زمان فتنه عثمان، خلیفه سوم، به وجود آمد که از لحاظ تاریخی متعلق به سال‌های ۳۰ تا ۴۰ است. اباضیان به رغم تعداد اندک، تا امروز در عمان و شمال آفریقا تداوم یافته‌اند.

جایگاه شیعیان و خوجه‌ها در جامعه عمان: شیعیان به تعداد زیادی در شهرهای مختلف و بیش از ۲۰ روستا پراکنده شده‌اند. چون جامعه عمان آزادی دینی را به رسمیت شناخته است، شیعیان برای برگزاری آموزه‌های دینی و مذهبی خود آزادی عمل دارند. آنان گذشته از اینکه خود دارای علمای دینی هستند، علمای زیادی از نقاط مختلف برای آموزش آموزه‌ها و برگزاری مراسم حسینی به این کشور وارد می‌شوند (www.shia-news.com/fa/news/۴۹۸۹۳).

سهم بالای شیعیان در طرح‌های ملی و انتخاب یک فرد شیعی به عنوان وزیر بازرگانی و صنعت در تاریخ سیاسی عمان از ظرفیت بالای اقتصادی شیعیان در این کشور حکایت دارد. سرمایه بسیاری از طرح‌های صنعتی و اقتصادی توسط شیعیان تأمین می‌شود و تجار و بازرگانان عمده در

بازار اقتصادی و تجاری عمان از شیعیان هستند. در بسیاری از بخش‌های اقتصادی، حضور گسترده و با نفوذ شیعیان دلیل بر ایفای نقش بسیار مهم در صحنه اقتصاد است. البته به دلیل تربیت کادر متخصص و کاردان در بخش‌های مختلف اقتصادی و صنعتی، توان اقتصادی شیعیان افزایش یافته و به همین دلیل، اهرم‌های مهم اقتصادی و صنعتی نیز در اختیار شیعیان قرار گرفته است.

سیاست‌های حکومت باعث شده است که پیروان مذاهب دیگر با شیعیان معاشرت گسترده‌ای داشته باشند و با ایجاد روابط حسنه همدلی بیشتری را بین خود به وجود آورند. همین همدلی باعث افزایش سطح تحصیلات و موقعیت نسل جدید شیعیان شده و بخشی از آنها را در شمار تیزهوشان و فارغ‌التحصیلان ممتاز مدارس و دانشگاه‌ها قرار داده است، به نحوی که در پایه‌گذاری زیربنای فرهنگی کشور روی آنها حساب خاصی از سوی حکومت کشور باز شده است (متقی‌زاده، ۱۳۸۴: ۸۹-۸۶).

یکی از گروه‌های شیعی در جامعه عمان، خوجه‌ها هستند که به حیدرآبادی‌ها هم معروف‌اند. این وجه تسمیه به واسطه زادگاه مذهبی آنان است که اصالتاً هندی هستند. حیدرآبادی‌ها (خوجه‌ها) به سبب آشنایی با زبان انگلیسی و آگاهی از اصول جدید تجارت به سرعت پیشرفت کردند و بخش مهمی از بازار مسقط و عمان را در دست گرفتند. همچنین، افرادی از آنها در دستگاه سلطنت کارهای دولتی به عهده دارند. وضع نسبتاً مرفه لواتیا که آنها را بخش متمایز جامعه ساخته است، به آنان امکان می‌دهد که سفر کنند و با خویشاوندان خود در هندوستان تماس یابند. همچنین از اماکن مقدس شیعیان در عراق و ایران بازدید کنند و پیوسته آگاهی بیشتری از مسائل جهان و اوضاع روز به دست آورند و جزء طبقه آگاه و کارآمدی محسوب شوند.

کوچک بودن عمان و نزدیکی محل زندگی لواتیا در مطرح به دربار خانواده‌های درباری در مسقط قدیم، رابطه ویژه‌ای بین دو طرف ایجاد کرده است. در تحولات سیاسی - اجتماعی عمان، مانند جنگ‌های داخلی بین طرفداران سلطنت و طرفداران امامت و جنگ‌های خارجی از جمله جنگ بریمی بین عمان و عربستان سعودی در سال ۱۳۳۵ و در مشکلات و مسائل اقتصادی کشور، حمایت دوجانبه‌ای بین سلطان و لواتیا وجود داشت. شاید انگیزه اصلی حمایت لواتیا از سلطان، جلب پشتیبانی او در برخورد‌های قبیله‌ای و اعتقادی لواتیاست که به علت اقلیت بودن آنان، ضروری می‌نمود (عرب، ۱۳۷۷: ۷۵-۷۴). بحارنه، گرچه کوچک‌ترین جامعه شیعیان عمان را تشکیل می‌دهد، به سبب وجود افراد ذی‌نفوذی که در دستگاه دولت دارد و اعتبار تجار بزرگ آن، از معروفیت و موقعیتی مشابه شیعیان لواتی برخوردار است؛ اما عجم‌ها به رغم تعداد زیادشان، اغلب به اموری مانند دست‌ورزی یا کاسبی جزء و پیشه‌وری اشتغال دارند. شیعیان خوجه در این کشور وضع خوبی دارند و ثروتمند هستند. در گذشته که وضع اقتصادی دولت خوب نبود، شیعیان خوجه به دولت کمک کرده‌اند و همین امر باعث روابط خوب دولت با شیعیان شده است.

خوجه‌ها در مقایسه با سایر گروه‌های شیعه، زودتر به این کشور وارد شده و توانسته‌اند در بخش‌های اقتصادی و حتی برخی از دستگاه‌های دولتی نفوذ کنند که از بین آنها می‌توان برخی را یافت که جزو ثروتمندترین افراد عمان هستند و نفوذ زیادی را از آن خود کرده‌اند. این گروه عموماً از شیعیان دوازده امامی هستند که در مطرح ساکن شده‌اند. آنان سنت و آداب و رسوم و فرهنگ خود را حفظ کرده‌اند. این هندی‌ها اغلب مذهب شیعه اسماعیلی داشتند و کم‌کم با تبلیغات مبلغین ایرانی که هر ساله از قدیم الایام به این کشور می‌رفتند، مذهب شیعه اثنی عشری را انتخاب کردند و هم‌اکنون قشر بزرگی را در این مملکت تشکیل می‌دهند (یگانه، پیشین، ۱۲). خوجه‌ها در سواحل مطرح، محله‌های شیعه‌نشین بنا کردند و مدرسه، حسینیه و مسجدهای خاصی برای خود ساختند.

نفوذ شیعیان در عمان و روابط آنها با اهل سنت: کشور عمان حدود ۵ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر جمعیت دارد (زارعی، ۱۳۹۵: ۱۳) که از این تعداد، بنا به اطلاعات موجود، ۱۰۰ هزار نفر شیعه هستند، نزدیک به ۵۰ مسجد و ۷۰ حسینیه برای خود دارند و با وجود جمعیت کم، دارای نفوذ سیاسی و مهم‌تر از آن نفوذ اقتصادی زیادی هستند. با وجود آنکه شیعیان در عمان اقلیت‌اند، در رأس هرم اقتصادی قرار می‌گیرند (پایگاه اینترنتی شیعه نیوز). بسیاری از آنها دارای طرح‌های صنعتی، تجاری و اقتصادی بزرگی هستند. برخی نیز در سرمایه‌گذاری در طرح‌های بزرگ ملی شرکت می‌کنند و انتخاب وزیر امور تجارت و صنعت از بین شیعیان، یکی از دلایل نفوذ اقتصادی و صنعتی آنهاست.

شیعیان از قدرت‌های مؤثر و فعال جامعه عمان در زمینه‌های بازار، اقتصاد و صنعت محسوب می‌شوند. علاوه بر آن، شیعیان از گروه‌های فرهیخته جامعه عمان هستند که دوست دارند در تمام امور فرهنگی جامعه شرکت کنند و بسیاری از آنها برای تکمیل تحصیلات خود به کشورهای آمریکا، انگلستان و برخی از کشورهای اروپایی سفر کردند. گذشته از آن، شیعیان با سایر گروه‌های دینی نیز در برادری و دوستی کامل زندگی می‌کنند.

اهل تسنن و شیعیان در جامعه عمان زندگی مسالمت‌آمیزی دارند و بهترین دلیل آن، کنار هم قرار گرفتن مساجد اهل تسنن و مساجد شیعیان است که هر کدام هر روز اذان را به شیوه خود بیان می‌کند (www.almuraqeb-aliraqi.org). صدور فتوای مجوز ازدواج اهل تسنن با شیعیان نیز بهترین دلیل برای دوستی و محبت بین این دو گروه و زندگی مسالمت‌آمیز بین آنهاست. از آنجا که قانون اساسی عمان، آزادی دینی را برای تمام افراد ساکن عمان ضمانت کرده است، شیعیان هر ساله مراسم شهادت امام حسین (ع) و یاران و خانواده اش را در مساجد و حسینیه‌ها بر پا می‌کنند و دیگر مذاهب همراه شیعیان در صفوف عزاداری حسینی قرار می‌گیرند.

علاوه بر این، همزیستی مسالمت‌آمیز این سه گروه شیعی در کنار سایر مذاهب عمان موجب

تفاهم بسیار زیاد بین اقلیت‌ها و گروه‌های مذهبی شده و سطح گفت‌وگوها و مباحثات دینی بین مذاهب را ارتقا بخشیده است؛ به طوری که بسیاری از مؤلفین و شعرای سایر مذاهب مانند اباضیه از تفکرات شیعی تأثیر پذیرفتند و این تأثیرات در تألیفات آنها نمود یافته است. بسیاری از شاعران اباضیه قصاید و مدایحی را درباره اهل بیت (ع) سروده‌اند؛ همان‌گونه که پدران اباضیه در نام‌گذاری فرزندان خود از اسامی مخصوص شیعه استفاده می‌کنند و از بین فرزندان این گروه بسیاری به نام‌های علی، زهرا، حسن و حسین نامیده می‌شوند (میرصیفی، روزنامه کیهان).

افزون بر جمعیت‌های سه‌گانه شیعیان عمان، پیوسته تعدادی از شیعیان از کشورهای هند، پاکستان، ایران، لبنان، سودان، تونس، عراق و کشورهای خلیج فارس برای کار و فعالیت‌های تجاری به عمان روی می‌آورند. گفتنی است نزدیک یک‌سوم جمعیت عمان، خارجی‌ها — به‌ویژه کارگران آسیایی — هستند. این عده که از لحاظ تعداد، خود جمعیتی به شمار می‌آیند، هر کدام تشکیلات مذهبی خاص خود را دارند. برای مثال شیعیان پاکستانی مسجد و حسینیه مخصوص خود را در این کشور ساخته‌اند.

بعد از انقلاب اسلامی ایران، شیعیان عمان نیز مثل سایر کشورها تحت تأثیر انقلاب قرار گرفتند و بهبود روابط دو کشور طی سال‌های گذشته بر موقعیت آنان تأثیر گذاشته است. شیعیان عمان مانند گذشته برای زیارت اماکن مقدس به ایران سفر می‌کنند (سازمان جغرافیای نیروهای مسلح، ۱۳۸۷).

۲. جایگاه ایده‌های محور مقاومت در جامعه عمان

عمان از جمله سردمداران همکاری با ایران در حوزه خلیج فارس است. این کشور از دهه ۱۹۷۰، چه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و چه پس از آن، مبتکر گفت‌وگوهای چندجانبه بین ایران و شورای همکاری خلیج فارس بوده است. نخستین موضوعی که بین ایران و اعراب در این زمینه مورد توجه قرار گرفت، همکاری‌های ایران و مجموعه شورای همکاری خلیج فارس است. این همکاری‌ها در پرتو سفر رئیس‌جمهور به دوحه و شرکت در بیست‌وهشتمین اجلاس شورای همکاری‌های خلیج فارس و پیشنهادهایی که در این سفر از سوی رئیس‌جمهور برای توسعه همکاری با شش کشور عضو این شورا مطرح شد، بیشتر مورد توجه قرار گرفت و توسعه یافت و عمانی‌ها از جمله کشورهایی بودند که از این رایزنی و گفت‌وگوها حمایت کردند. ما شاهد برگزاری اجلاس مشورتی شورای همکاری‌های خلیج فارس در عربستان بودیم که حتماً عمانی‌ها پیام جمهوری اسلامی ایران را برای توسعه مناسبات منتقل کردند. علاوه بر این، در حوزه مجموعه اتحادیه عرب، تحولات منطقه‌ای، لبنان و فلسطین، جمهوری اسلامی ایران و سلطنت عمان

رایزنی‌های متعدد داشته‌اند.

- حمایت از مواضع مقاومت فلسطین

مسئله حمایت از مبارزات مردم فلسطین در برابر رژیم صهیونیستی، یکی از مهم‌ترین رویه‌های معنابخش به محور مقاومت بوده است. در واقع، بعد هستی‌بخش محور مقاومت در قالب اعتقاد به محو اسرائیل و باور به مظلومیت مردم فلسطین معنا پیدا می‌کند. طی سال‌های بعد از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، همواره مقامات سیاسی ایرانی تلاش کرده‌اند سایر کشورهای مسلمان را با مواضع خود در دفاع از آرمان‌های مردم فلسطین همراه کنند. یکی از کشورهای مد نظر ایران که بر اساس زمینه‌های مثبت موجود، برای برقراری رابطه همکاری بین دو کشور بسیار مورد توجه قرار گرفته، عمان است.

حاکمان مسقط طی چند دهه گذشته بر اساس دکترین موازنه مثبت و بی‌طرفی و میانجی‌گری بین کشورها سعی در ایجاد ارتباط با هر دو طرف اسرائیلی و فلسطینی برای ایجاد توافق بین آنان داشته‌اند. حتی در مقاطعی، دولت مردان عمان در برابر جنایات و اقدامات متجاوزانه اسرائیلی‌ها سکوت اتخاذ کرده‌اند. با وجود این، طی سال‌های بعد از سال ۲۰۰۰ شاهد تغییر روند در مواضع عمان نسبت به مسئله فلسطین بودیم. در تحلیل این مسئله می‌توان گفت موضع حمایتی عمان از فلسطین، زمینه تقویت محور مقاومت را فراهم کرده است. حمایت مقامات سیاسی عمانی از حقوق مشروع فلسطین در برابر تجاوزات اسرائیل در غزه و کرانه باختری مهم‌ترین نمودهای این موضع هستند.

در همین راستا در سال ۲۰۱۴، نایب رئیس مجلس عمان اظهار کرد: ما بر حق ملت فلسطین در حمایت از شرف و ناموس‌شان و ادامه مقاومت تأکید داریم و از آن حمایت می‌کنیم. عبدالله بن خلیفه طی سخنانی در اجلاس تروئیکای بین‌المجالس کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اسلامی که برای بررسی مسائل اخیر غزه تشکیل شده است، تصریح کرد: آنچه در غزه در حال رخ دادن است، یعنی محاصره و کشتار مردم به شدت محکوم است و ما باید با تصویب مصوبات و قوانین عاجل و مؤثر برای پایان دادن به این فجایع اقدام کنیم.

به طور کلی، مواضع حمایتی چند سال اخیر مقامات عمان از مقاومت فلسطین را می‌توان همانند زمینه‌ای مهم برای نفوذ اندیشه‌های محور مقاومت در جامعه عمان ارزیابی کرد.

- مخالفت با رادیکالیسم سیاسی در جامعه عمان و منطقه

یکی دیگر از ابعادی که زمینه هم‌خوانی بسترهای جامعه عمان را با محور مقاومت فراهم کرده، در ارتباط با ضدیت مقامات سیاسی این کشور با رادیکالیسم سیاسی در داخل کشور و در سطح منطقه است. یکی از سیاست‌های مثبت دولت مردان مسقط، مخالفت با ظهور و گسترش جریان‌های

اسلام‌گرای رادیکال ضد شیعی در داخل کشور بوده است. منش میان‌رویی اصلی اساسی در سرکوب و مقابله با جریان‌های سلفی و وهابی در عمان بود و نقشی مهم در حفظ آرامش در این کشور داشت. این رویکرد علاوه بر بعد داخلی در سطح مناسبات و رویکردهای منطقه‌ای عمان به ویژه در سال‌های بعد از سال ۱۳۹۰، موجب تقویت جایگاه اندیشه محور مقاومت در جامعه عمان شده است.

در ارتباط با رویکرد سیاست خارجی، آنچه طی سال‌های اخیر از مواضع عمان در راستای منافع و حفظ قدرت محور مقاومت محسوب می‌شود، رویکرد بی‌طرفانه مسقط نسبت به تحولات بعد از سال ۱۳۹۰ موسوم به بیداری اسلامی و مخالفت با رادیکالیسم سیاسی - مذهبی حاکم بر منطقه بوده است. به طور کلی، پادشاهی عمان به انقلاب‌های کشورهای عربی یا بیداری اسلامی نگاهی ویژه داشته است. این کشور معتقد است که انقلاب‌ها و خیزش‌های اسلامی نتیجه تراکم خواسته‌های چند دهه بوده است. با وجود این، ضمن دخالت نکردن در این زمینه تلاش کرد به آرای مردم و خواست مشروع آنان احترام گذارد؛ یعنی با وجود اینکه در بسیاری از کشورهای منطقه دگرگونی‌هایی ایجاد شده، اما سیاست پادشاهی عمان در مورد نظام‌های جدید عربی هیچ تغییری نکرده است. برای نمونه، پادشاهی عمان در مسئله سوریه وارد نشد و حتی تلاش نکرد نقشی مثبت در این حوزه ایفا کند.

اگر به اهداف پادشاهی عمان در خیزش‌ها و انقلاب‌های عربی در چند سال گذشته توجه کنیم، باید بگوییم که این کشور تلاش کرده است خود را از این بحران‌های داخلی و خیزش‌های عربی دور نگه دارد و به این انقلاب‌ها وارد نشود؛ یعنی به‌رغم اینکه بسیاری از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نگران دگرگونی‌ها هستند، مسقط تلاش کرد به نوعی در نقش ناظر بی‌طرف، منفعت خود را پیگیری کند و تنها در چارچوب اتحادیه عرب نقش مثبتی داشته باشد. این رویکرد موجب شد تا پادشاهی عمان اکنون باثبات‌ترین کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس از نظر امنیت داخلی باشد و هیچ‌گونه بحران امنیتی و سیاسی در این کشور مشاهده نشود.

- حفظ دوستی و همکاری‌ها با ایران در سال‌های بعد از سال ۲۰۱۱

بدون تردید پس از سال ۲۰۱۱ و آغاز بحران سوریه، ایران برای حفظ وحدت محور مقاومت ناگزیر وارد کانون بحران شد. در این اثنا، همراه کردن مواضع کشورهای منطقه با مواضع ایران یا در حالت حداقلی، حفظ مناسبات ایران با کشورهای منطقه در راستای بی‌طرفی آنان در برابر بحران سوریه، در دستورکار کارگزاران سیاست خارجی کشور قرار گرفت. در این بین، عمان نقش مهم و مثبتی در حفظ مناسبات با ایران و گسترش همکاری‌ها ایفا کرد. هر چند این نوع مناسبات، ریشه‌ای تاریخی دارد، اما



واقعیت این است که پس از سال ۲۰۱۱، حفظ روابط حسنه بین تهران با مسقط نقشی انکارناپذیر در تقویت محور مقاومت داشته است.

به طور کلی، حفظ روابط دوستانه بین عمان و ایران و تلاش برای گسترش آن همواره در دستورکار مقامات دو کشور قرار داشته است. اگرچه عمان جزو کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است، اما این کشور با درایت و آگاهی سیاسی دور از تأسی از سیاست‌های مغرضانه عربستان، همواره مناسبات گرم و دوستانه‌ای با ایران داشته است. گفتنی است که بیشتر کشورهای عضو شورای خلیج فارس که متشکل از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس هستند، تحت تأثیر سیاست‌های مغرضانه عربستان و قدرت‌های بیگانه قرار دارند و در این بین، عمان سیاست نسبتاً مستقلی را در روابط خارجی دنبال می‌کند و بر گسترش مناسبات با ایران به عنوان کشوری قدرتمند و مستقل در منطقه تأکید دارد.

۳. ظرفیت‌های کشور عمان برای محور مقاومت بر اساس دیپلماسی نیچه‌ای

فهم سیاست خارجی کشوری مانند عمان در قالب نظریه‌های کلاسیک سیاست خارجی تا حدودی مشکل است؛ از این رو، رفتار سیاست خارجی عمان در قالب مفهوم دیپلماسی کشورهای کوچک یا دیپلماسی نیچه‌ای ارزیابی می‌شود. بر اساس دیپلماسی نیچه‌ای، متمرکز کردن منابع روی حوزه‌هایی خاص نسبت به توزیع همان منابع در سطح بهتر می‌تواند باعث حصول نتایج ارزشمند و کسب سود مادی و معنوی بیشتر شود. دیپلماسی نیچه‌ای این امکان را به دولت‌ها می‌دهد که به دلیل برخورداری از جایگاه، شرایط یا موقعیتی مقبول که می‌تواند برگرفته از موقعیت جغرافیایی کشور، تاریخ، فرهنگ و سیاست‌ها یا ترکیبی از این موارد باشد، در جهت تحقق اهداف سیاست خارجی خود گام بردارند (هنریکسون، ۱۴۱). از این رو به نظر می‌رسد این نوع دیپلماسی، مطلوب بازیگرانی باشد که از آنها به عنوان بازیگران کوچک و آسیب‌پذیر نظام بین‌الملل یاد می‌شود. کشورهای کوچک به دلیل جمعیت محدود، قلمرو سرزمینی محدود، حاکمیت شکننده و اغلب وابسته، مجاورت با کشورهای بزرگ و بوروکراسی حکومتی محدود و متمرکز ممکن است عقب‌مانده و توسعه‌نیافته به نظر برسند و از این رو، برای جبران این ضعف‌ها و کاستی‌ها از دیپلماسی نیچه‌ای استفاده می‌کنند (Albrto, ۲۰۱۲). دیپلماسی نیچه به کشورهای کوچک این فرصت را می‌دهد تا با تمرکز بر منابع نرم‌افزاری در حوزه‌های خاص به تولید برندهای ملی دست یابند. برند ملی را می‌توان تصور و برداشت افکار جامعه جهانی در مورد یک کشور خاص تعریف کرد (Peterson, ۲۰۰۶: ۷۵۴). مفاهیمی مانند دولت معتبر، مهاجم، توسعه‌طلب، غیرقابل اعتماد، یاغی، سرکش، محور شرارت و... همگی برندهایی هستند که می‌تواند از یک دولت در

اذهان سایر دولت‌ها نقش ببندد. همچنین در حال حاضر، فضاهاى مختلفی وجود دارد که کشورها در آن به صورت مستقیم و آشکار با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. این فضاها عبارت‌اند از: صادرات برنند^۱، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، توریسم، ورزش، هنر، فرهنگ، بی‌طرفی و میانجی‌گری (رنجکش، ۱۳۹۲: ۱۴۸).

در این بین، عمان کشوری است که جهان را آن‌گونه که هست، پذیرفته است و سعی می‌کند با ارائه اصول و گزاره‌های عام به مفاهیم کلان منافع ملی، امنیت و... برسد. سیاست‌گذاران عمان در مواجهه با نظم حاکم بر نظام بین‌الملل به نظر می‌رسد سلطه قدرت‌های جهانی را پذیرفته‌اند و مطابق نوعی محافظه‌کاری سعی می‌کنند به اهداف امنیتی و سیاسی خود دست یابند. عمان به این نتیجه رسیده است که به دلیل آسیب‌پذیری در حوزه‌های مختلف، باید در عرصه خارجی، رویکردها و سیاست متمایزی نسبت به سایر بازیگران منطقه‌ای اتخاذ کند. از این رو، تنها کشور حاشیه جنوبی خلیج فارس است که در سیاست خارجی خود هیچ‌گونه خط قرمز و تابویی برای خود متصور نشده است. امروزه عمان به لطف هوشمندی و درایت مقامات خود، حرکت مؤثری از آسیب‌پذیری به انعطاف‌پذیری را طی کرده است. عمان تلاش می‌کند با گسترش روابط شبکه‌ای و تقویت پیوندهای خود با بازیگران مختلف، امنیت و بقای خود را تضمین کند و خود را یک برنند متعادل و میانجی‌گر بین کشورهای منطقه معرفی کند. عمان در عین حال تلاش می‌کند همچنان به عنوان متحد مورد اطمینان غرب در منطقه نیز قلمداد شود. از آنجا که امروزه عرصه دیپلماسی، عرصه مدیریت تصاویر^۲ است، عمان در این راستا، اهداف زیر را دنبال می‌کند:

۱. حفظ و تضمین امنیت عمان در منطقه پر آشوب و جنگ‌زده خاورمیانه؛
۲. ارائه تصویر عمان به جهانیان به عنوان یک کشور مدرن و یک دولت تجارت‌محور که قدرت رقابتی مناسبی در اقتصاد منطقه دارد.
۳. این تصویرسازی از عمان در نظام بین‌الملل سرانجام موجب منحرف کردن توجهات بین‌المللی از نقاط ضعف و کاستی‌های سیاسی عمان همچون فقدان دموکراسی، ضعف نهادهای مدنی و... خواهد شد.

از این رو، عمان در راستای ایجاد برنند متمایز خود با سایر همسایگانش، سیاست‌هایی نظیر بی‌طرفی در منازعات، موضع نسبتاً مستقل در شورای همکاری خلیج فارس نسبت به سیاست‌های تهاجمی و افراطی عربستان در این شورا، حفظ بی‌طرفی در منازعه ایدئولوژیک و امنیتی ایران و عربستان و میانجی‌گری در بحران‌های منطقه را پیش گرفته است.

۱. Brand Export

۲. امروزه هنر دیپلماسی، مدیریت تصاویر مختلف خود، خود-دیگران، دیگران-خود و دیگران-دیگران است.

سابقه تاریخی عمان نشان داده است که مقامات این کشور نهایت تلاش خود را برای شکل دادن محیط منطقه‌ای و بین‌المللی از طریق دستگاه دیپلماسی، عرف و هنجارهای پذیرفته‌شده بین‌المللی به کار بسته‌اند و با اتخاذ سیاست میانجی‌گری در حل و فصل اختلافات منطقه‌ای و راهبرد بی‌طرفی در تحولات منطقه و طراحی و عملیاتی کردن نقشه راه خود در عرصه سیاست خارجی مبتنی بر تعامل، اقناع و همکاری، تلاش کرده‌اند ثبات و امنیت حاصل از این شرایط را به منافع خود پیوند زده و با همراهی و ائتلاف نانوشته با قدرت‌های فرامنطقه‌ای نظیر ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه، در راستای تحقق اهداف و منافع ملی خود گام بر دارند. عمانی‌ها توانستند با اتخاذ عقلانیت سیاسی، بازتعریف مفاهیم در منطقه و عبرت گرفتن از اشتباه‌های سایر بازیگران گامی مهم در مسیر حل و فصل اختلافات منطقه‌ای بردارند. از این رو تفاوت و فاصله زیادی بین الگوی عمانی و الگوی عربستانی حاکم بر تعاملات منطقه‌ای وجود دارد. شاخص‌های الگوی عربستانی بیشتر شامل جنگ‌طلبی، توهمات برساخته ذهنی، توسعه‌طلبی، نقض قوانین و مقررات بین‌المللی، مداخله در امور داخلی سایر کشورها و حمایت از تروریسم و گروه‌های تکفیری است، در حالی که شاخص‌های الگوی عمان بر توسعه صلح و ثبات منطقه‌ای، بی‌طرفی در منازعات، گسترش و تقویت روابط منطقه‌ای و... تأکید دارد. در نظر سیاستمداران عمانی، تنها موضوعی که بین کشورهای منطقه پایدار باقی خواهد ماند، همسایگی است و از این رو مهم‌ترین مسئله، شناخت منافع و تعیین بهترین راهکار برای حفظ ثبات و امنیت در منطقه است.

4. نقش میانجی‌گرایانه عمان در تحولات منطقه‌ای و محور مقاومت

سیاست بین‌الملل همیشه در حال تغییر و تحول است و در دنیای متحول کنونی، کشوری موفق است که بتواند از فرصت‌ها در این تحولات به خوبی و با حداکثر توان استفاده کند تا ضمن کسب منافع ملی، موقعیت و جایگاه خود را در نظام بین‌الملل ارتقا دهد. از طرف دیگر معمولاً کشورها را به چند دسته ابرقدرت‌ها، سوپر قدرت‌ها، قدرت‌های بینه و کشورهای کوچک تقسیم‌بندی می‌کنند. کشورهای کوچک جزء کشورهایی هستند که از لحاظ اقتصادی، سیاسی و سرزمینی احتمال آسیب‌پذیری زیادی دارند. در دنیای امروز شاهد هستیم که منابع قدرت دولت‌ها از منابع سخت‌افزاری به منابع نرم‌افزاری شیف‌ت پیدا کرده و عناصر جدیدی مانند رسانه، فرهنگ، تورسیم و دیپلماسی عمومی که میانجی‌گری جزئی از آن است، وارد عرصه سیاست بین‌الملل شده است. این موضوع، مقوله جدیدی به نام قدرت نرم را در سیاست خارجی کشورها مطرح کرده و موجب شده است کشورهای کوچک با استفاده از قدرت نرم و میانجی‌گری، در سطح منطقه و نظام بین‌الملل تأثیرگذار باشند. در طول تاریخ بسیار اتفاق افتاده است که کشورهای کوچک از نقطه قوت

خود استفاده کردند و توانستند در مسائل جاری منطقه و روندهای سیاست جهانی مؤثر باشند. عمان کشوری کوچک است که می‌توان آن را در عرصه بین‌الملل کشوری آسیب‌پذیر قلمداد کرد. این کشور برای تأمین امنیت خود با چالش‌های بسیاری روبه‌روست؛ بنابراین برای مقابله با این چالش‌ها، با اتخاذ راهبرد میانجی‌گری در سیاست خارجی تلاش می‌کند خود را با متحدان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای پیوند بزند تا امنیت و منافع خود را تأمین کند. این کشور، ترتیبات امنیتی حاکم بر نظام بین‌الملل را پذیرفته است؛ یعنی رویکرد انتقادی یا انقلابی به ساختار موجود ندارد و سعی می‌کند منافع و سیاست‌های خود را با رویکردی محافظه‌کارانه در منطقه پیش ببرد و البته در پیشبرد اصول محافظه‌کارانه خود، بسیار ظریف و هوشمندانه عمل می‌کند. منابع نرم‌افزارانه قدرت عمان باعث شده است محدوده انتخاب‌های آن گسترش یابد؛ به گونه‌ای که این کشور بدون ورود به اتحادیه‌های نظامی-امنیتی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای توانسته است امنیت و منافع خود را تأمین کند (عظیم‌زاده، ۱۳۹۵: ۷-۶).

عرصه دیپلماسی امروز، عرصه مدیریت تصویر و ادراکات است؛ یعنی تصویری که خود از خود دارد، تصویری که خود از دیگران دارد یا تصویری که دیگران از دیگران دارند. عمانی‌ها توانسته‌اند در این تصویرسازی تا حدود زیادی موفق عمل کنند. اگر بخواهیم شاخص‌های رفتاری دو کشور عمان و عربستان را بررسی کنیم، متوجه می‌شویم که عمانی‌ها با اتخاذ عقلانیت سیاسی، بازتعریف از مفاهیم منطقه‌ای و عبرت گرفتن از اشتباه‌های گذشته خود و دولت‌های دیگر گام‌های مهمی در حل و فصل اختلافات منطقه‌ای داشتند.

می‌توان گفت عمان بین کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، کشوری است که تا حدودی هیچ خط قرمزی در سیاست خارجی خود ندارد. این کشور برخلاف عربستان بیشتر از ایدئولوژیک بودن خود، سعی می‌کند با گسترش شبکه روابط خود و پیوند با کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بقا و امنیت خود را تقویت کند. در حقیقت عمانی‌ها توانسته‌اند در چند دهه اخیر یک برند دولت متعادل و میانه‌رو را برای خود در منطقه و نظام بین‌الملل معرفی کنند و تا حدودی خود را متحد غرب جلوه داده‌اند. تولید این برند سه مزیت اساسی برای عمان دارد: نخست اینکه توانسته است امنیت خود را در منطقه‌ای بی‌ثبات تأمین کند. دوم اینکه خود را کشوری نسبتاً مدرن یا دولتی تجارت‌محور که می‌تواند در عرصه رقابتی اقتصاد بین‌الملل فعالیت کند، به دنیا نشان دهد. سوم اینکه ارتباط منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای عمان باعث منحرف کردن توجهات بین‌المللی به برخی ضعف‌های این کشور مانند توجه به مسئله فقدان دموکراسی در عمان شده است.

عمانی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که باید برند متمایزی با همسایگان خود داشته باشند و در زمینه برندسازی، تلاش‌هایی مانند موارد زیر را انجام داده‌اند: بی‌طرفی در منازعات، اتخاذ موضع



مستقل در تصمیم شورای همکاری خلیج فارس به ویژه در برابر عربستان، بی طرفی در منازعه ایران و عربستان و میانجی گری در بحران های منطقه (همان).

با اندکی تأمل و رجوع به مواضع عمان طی سال های اخیر می توان دریافت که این کشور اصولاً خط مشی سیاسی متفاوتی با سایر اعضای شورای همکاری پیش گرفته است. این سیاست نشانه بارز و وجه ممیز آن در یک عبارت «میانجی گری» است. در شرایطی که خاورمیانه، هر روز درگیر یک بحران جدید می شود و پیش از حل بحران قبلی، معضلی جدید برای ساکنان این منطقه از سوی بازیگران خارجی و داخلی پدید می آید، پایتخت عمان به مکانی امن برای طرف هایی تبدیل شده است که هنوز تأثیر گفت و گو و راه حل های سیاسی برای پایان بخشی به بحران های منطقه را باور دارند.

این جهت گیری عمان در حالی است که کشورهایمانند عربستان سعودی، ترکیه، قطر، امارات و برخی دیگر از بازیگران منطقه ای، تمام توان و ظرفیت خود را برای اجرایی کردن سیاست های آمریکا و برخی دولت های اروپایی در منطقه به کار بسته اند. در این زمینه، بدون شک سیاست های آمریکایی و صهیونیستی که از سوی برخی همسایگان ایران در خاورمیانه اجرا می شود، هیچ فضایی برای گفت و گو و حل سیاسی بحران ها به رسمیت نمی شناسد و به دخالت در سایر کشورها و انتقال سلاح و نیرو متوسل می شود. این امر شاه بیت سیاست خارجی کشورهایمانند ترکیه، عربستان، قطر و امارات طی سال های اخیر بوده است.

در این بین، سلطنت عمان علاوه بر موقعیت جغرافیایی خاص این کشور در خلیج فارس، به دلیل موضع گیری های خود به کشوری متفاوت با سایر اعضای عربی خلیج فارس تبدیل شده و این مسئله برخی تحلیلگران را وادار کرده است به عمان لقب کشور «بی طرف مثبت» یا «میانجی گر» دهند. این لقب از آن رو به سلطنت عمان داده شده که علت بی طرفی های این کشور، نه صرفاً دوری از بحران ها و جان سالم به در بردن به هر قیمتی، بلکه خودداری از ورود به صحنه سیاست داخلی کشورهای منطقه و بر هم زدن امنیت آنهاست. مواضع عمان در خودداری از دامن زدن به بحران های منطقه ای و فراهم کردن فضای گفت و گو طی سال های اخیر، در برخی موارد به جلوگیری از ظهور بحران های غیر ضروری برای منطقه و ساکنان آن منجر شده است. شاید یکی از رسانه ای ترین اقدامات عمان در زمینه میانجی گری، نقش این کشور در مذاکرات بین ایران و آمریکا بوده است. آغاز تلاش آمریکایی ها برای گفت و گو و مذاکره با ایران، زمانی رخ داده بود که آن کشور از ادامه تحریم ها و تهدیدها علیه ایران کاملاً ناامید شده و در چنین شرایطی با توسل به مسقط، پیام خود را به تهران رسانده بود. در حالی که برخی از کشورهای منطقه که به هیچ وجه توان رویارویی و ایستادگی در برابر ملت ایران را نداشتند، بنا بر اسنادی که از طریق ویکی لیکس منتشر شده است و برخی از بازیگران منطقه ای مانند عربستان، بارها از قدرت های جهانی درخواست حمله نظامی به

ایران را کرده بودند.

عمان همواره فاصله خود را با مجریان سیاست‌های آمریکا در منطقه از جمله عربستان سعودی حفظ کرده است. تأکید عمان بر عدم دخالت طرف‌هایی خارج از منطقه برای حل بحران‌های خاورمیانه و استقبال از تلاش کشورهای منطقه برای ایفای نقش در معادلات سیاسی، امری است که موجب دوری این کشور از همسایه‌های عرب خود و نزدیکی به جمهوری اسلامی ایران شده است. عمان نه تنها مخالف دخالت بیگانگان در حل مسائل منطقه است، خود نیز برخلاف سایر کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله قطر، عربستان و امارات در بحران‌های دیگر دخالتی نمی‌کند و سیاست توأم با احتیاط دارد و همین امر سبب می‌شود که موضعی مستقل داشته باشد و مورد اعتماد همه طرف‌های درگیر باشد.

در جریان بحران بین کشورهای حوزه خلیج فارس با قطر، عمان برای نزدیک کردن دیدگاه‌هایشان تلاش بسیاری کرد و این موضع بی‌طرفانه، خشم برخی کشورها از جمله سعودی‌ها را که به دنبال گسترش نفوذ منطقه‌ای هستند، برانگیخت. فشارهای فراوانی به عمان از طرف عربستان برای تغییر موضع آن وجود دارد؛ اما سیاست عمان، سیاستی مبتنی بر نرمش با مواضع پیچیده است و توانسته همه فشارها را هضم کند. البته این فشارها تأثیر چندانی بر مواضع آن نداشته است. این سیاست به عمان جایگاه و اعتباری بین‌المللی و منطقه‌ای بخشیده است (مشهدی، ۱۳۹۴: ۶-۵).

- نقش میانجی‌گرانه عمان در بحران سوریه

پادشاهی عمان از روزهای آغازین بحران سوریه، مخالف اقدامات مسلحانه برای براندازی دولت سوریه بود و به حل و فصل مسالمت‌آمیز بحران سوریه تمایل داشت. در همین راستا و برخلاف سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، سفارت این کشور همچنان در دمشق باز بود و به فعالیت خویش ادامه می‌داد. ضرورت یافتن راه‌حلی سیاسی برای جنگ داخلی سوریه در مذاکرات بین مقامات دو کشور نیز از طرف یوسف بن علوی، وزیر خارجه عمان، مورد تأکید قرار گرفت. با این حال، موضوع میانجی‌گری عمان در بحران سوریه با سفر ولید معلم، وزیر خارجه سوریه، به مسقط کلید خورد. در اوایل آگوست ۲۰۱۵، روزنامه‌های عربی مدعی شدند نشست سه‌جانبه‌ای بین وزرای خارجه سوریه، ایران و عربستان سعودی در مسقط برگزار شده است و مقامات ایرانی در سفر ولید معلم به تهران، وی را به یافتن مفری برای خروج از بحران با کمک‌گیری از عمان ترغیب کرده‌اند. به نظر می‌رسد عمان که سابقه مبارزه با گروه‌های شورشی را در کارنامه خود دارد (جنیش ظفار) به فهم مشترکی با دولت سوریه در لزوم مبارزه با گروه‌های تروریستی و حفاظت از استقلال و تمامیت ارضی این کشور رسید و توانست اعتماد مد نظر

سوری‌ها برای حل و فصل این بحران را جلب کند. از طرف دیگر، اقدامات تروریستی داعش در سوریه و عراق، امنیت عمان را مانند سایر کشورهای عربی مورد تهدید قرار داده و این کشور را به میزبانی هیئت‌هایی از هر دو طرف بحران سوریه ترغیب کرده است.

سفر وزیر امور خارجه وقت عمان به سوریه در ۲۶ اکتبر ۲۰۱۵ (مصادف ۴ آبان ۱۳۹۴) و ملاقات وی با بشار اسد، صفحه جدیدی از تلاش‌های میانجیگرانه عمان در بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی گشوده است. اهمیت این سفر به جهات گوناگون از قبیل سفر یکی از وزرای خارجه شورای همکاری خلیج فارس به سوریه، مداخله نظامی روسیه در سوریه و آماده شدن این کشور برای انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری اهمیت داشت. به رغم اینکه عمان یکی از متحدان ایالات متحده در ساحل جنوبی خلیج فارس به شمار می‌رود، رویکرد متفاوتی از سایر اعضای شورای همکاری خلیج فارس نسبت به مسائل مهم منطقه‌ای از جمله بحران سوریه اتخاذ کرد و از روابط نزدیک با حامی اصلی بشار اسد - جمهوری اسلامی ایران - بهره‌مند است.

از سوی دیگر، سفر بن علوی به سوریه در آن زمان ضربه دردناکی به سیاست‌های ضد سوری شورای همکاری خلیج فارس به سبب سلطه کامل رژیم عربستان بر این نهاد است که از زمان آغاز بحران سوریه، با فشارهای سعودی‌ها، روابط اعضای این شورا جز عمان با دولت سوریه قطع شد. البته در همان زمان اخباری از تحرک برخی اعضای شورای همکاری برای ازسرگیری روابط با دمشق در سایه خشم و عصبانیت ریاض در محافل منطقه‌ای نیز مطرح شد. تأکید بن علوی بر پای‌بندی عمان به وحدت سوریه و ثبات آن و انجام هر گونه تلاش برای حل نهایی بحران سوریه از راه سیاسی و مسالمت‌آمیز، بر خشم و عصبانیت مقامات سعودی به ویژه وزیر خارجه بی‌تجربه این رژیم افزود (انصاری جابری، ۱۳۹۵: ۵-۴).

- نقش میانجی‌گرانه عمان در بحران یمن

پس از فرار عبدالربه منصور هادی از صنعا به عدن، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به درخواست و فشار عربستان، سفارت‌شان را به عدن منتقل کردند؛ اما عمان این کار را نکرد و با اتخاذ سیاستی مستقل از ریاض، سفارت خود را در صنعا باقی گذاشت. عمان تنها کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس است که در ائتلاف کشورهای عربی حمله‌کننده به یمن به رهبری سعودی‌ها شرکت نکرد و به درخواست عربستان برای پیوستن به این ائتلاف، پاسخ منفی داد.

بعد از آغاز جنگ سعودی و محاصره یمن، عمان تنها منفذ برای یمنی‌ها یعنی انصارالله و حزب کنگره بود. نقش میانجی‌گرانه عمان، برای حل بحران غیرانسانی که عربستان سعودی در یمن ایجاد کرد، واضح و مشهود است. در این زمینه، عمان بارها با رد هرگونه تلاش برای مداخله



خارجی در یمن، آمادگی خود را برای برگزاری گفت‌وگوهای یمنی- یمنی اعلام کرد که عربستان سعودی به شدت از آن گریزان بود.

ولی در نهایت، دیدارهای مختلفی در عمان انجام شد و مذاکراتی بین طرفین درگیری صورت گرفت. تلاش‌های دیپلماتیک چندین کشور و در صدر آنها، عمان برای توقف جنگ عربستان علیه یمن به نوعی به هماهنگی بین گروه‌های درگیر در این کشور انجامید و مشاوره‌ها و گفت‌وگوهای مفیدی بین طرف‌های درگیر یمنی صورت گرفت. در واقع، مذاکرات عمان در این خصوص راه را برای فعال شدن مذاکرات اروپا و کویت بین طرف‌های درگیر یمنی باز کرد. همچنین با تلاش‌های عمان در آن زمان، مذاکرات مستقیمی بین سعودی‌ها و نیروهای یمن انصارالله صورت گرفت که موجب توافقاتی بین دو طرف شد (مشهدی، پیشین، ۱۲-۱۱).

- نقش میانجی‌گرانه عمان در روابط ایران و عربستان

روابط ایران و عربستان جز در برهه‌ای از زمان عموماً رقابت‌آمیز و توأم با مخاصمه و بحران بوده است. از ابتدای وقوع انقلاب اسلامی ایران، عربستان انگیزه‌های متفاوتی برای دشمنی با ایران اسلامی یافت. از منظر سیاسی، هر دو رژیم پهلوی و سعودی در درون نظام دو قطبی شرق و غرب در چارچوب وابستگی به غرب بودند و از منظر ایدئولوژیک نیز دو رژیم، تنازع ایدئولوژیکی مشخصی نداشتند. از نگاه آمریکا، رژیم پهلوی به دلایل مختلف تاریخی و سیاسی و ویژگی‌های استراتژیک ایران در داشتن قدرت فائقه منطقه، از ارزش و اهمیت راهبردی تری در مقایسه با عربستان برخوردار بود؛ اما انقلاب اسلامی به طور کلی، این نظام مدون و ثابت منطقه‌ای را برهم زد. آمریکا و وابستگان آن هرگز نمی‌توانستند یک نظام مستقل را با آرمان‌های بلند که در صدد مبارزه بی‌امان با ارتجاع و امپریالیسم بوده است، تحمل کنند. از این رو، عربستان با خروج ایران از دایره سلطه آمریکا، جایگزین مناسبی برای ادامه سلطه‌گری و طرح‌های آمریکایی در منطقه و مقابله علیه ایران شد. حمایت کامل عربستان از تجاوز و حشبانه رژیم صدام و کشتار مظلومانه حجاج ایرانی در سال ۱۳۶۵ نمونه‌های واضحی از این دشمنی بود.

به تدریج، با نفوذ ایران و گسترش قدرت ژئوپلیتیکی آن در حوزه کشورهای خاورمیانه به ویژه در کشورهای عربی مانند سوریه و لبنان و شکل‌گیری قدرت شیعه در عراق به دنبال اشغال این کشور توسط آمریکا و خروج مفتضحانه از آن، قدرت نرم و سخت ایران سعودی‌ها را به وحشت انداخت و در سال‌های پایانی پادشاهی ملک عبدالله، تخاصم سعودی رو به گسترش نهاد و با مرگ وی و حاکمیت ملک سلمان به اوج خود رسید؛ به نحوی که در سال ۱۳۹۴ به دنبال حمله عربستان به یمن و متعاقب آن فاجعه منا و کشته شدن بیش از ۴۰۰ نفر از حجاج ایرانی روابط دو



کشور در آستانه رویارویی جدی قرار گرفت.

در این بین، کشور پادشاهی عمان که به طور اصولی هرگونه منازعه در منطقه را آتشی به جان کل منطقه می‌داند، وارد نوعی دیپلماسی خاص خود و میانجی‌گری برای بهبود روابط شد که بر اثر نخوت و بی‌تدبیری مسئولان سعودی به نتایج مد نظر عمان نرسید. بخشی از این دیپلماسی در مصاحبه وزیر خارجه وقت عمان، بن علوی، با روزنامه الحیات لندن ظاهر شد. ایشان در پاسخ سؤال خبرنگار در موضوع میانجی‌گری بین ایران و عربستان با اذعان به اقدامات عمان در این زمینه می‌گوید: در صورت فراهم بودن زمینه‌ها از سوی دو کشور مذکور برای حل اختلافات و ایفای نقش میانجی‌آمدگی داریم. البته به نظر نمی‌رسد این مسئله به میانجی‌گری نیازی داشته باشد. اساس اندیشه وساطت به معنی فکر میانجی‌گری این است که شما در فضای مناسبی، میانجی‌گری را برعهده داشته باشید. در این میانجی‌گری باید یک سیستم قابل قبول حاکم باشد و این فکر زمانی موفق است که همه این نقش شما را پذیرا باشند. میانجی‌گری این نیست که حرف کسی را به کسی دیگر تنها منتقل کنید؛ اما به طور حتم، هدف ما این است که منطقه‌ای آرام و امن داشته باشیم. بن علوی در پاسخ به این سؤال که چگونه می‌توان نزدیکی دیدگاه‌ها را بین دو دولت به وجود آورد، گفت: این اصل پرسش است که آیا آمادگی در این رابطه از سوی دو دولت حاصل شده است؟ از این رو معتقدم که اختلاف به دلیل انباشت اختلافات حاصل شده است. برخی از این اختلافات شخصی هستند و به مسائل اساسی و منافع ربطی ندارند. یعنی این طور نیست که من ۱۰ درصد ببرم و تو ۲۰ درصد. مسائل به این صورت دنبال نمی‌شوند.

بار دیگر بن علوی در سفر آبان ۱۳۹۴ مذاکرات بین این دو قدرت منطقه‌ای می‌تواند در نهایت به ایجاد تفاهم در زمینه مسائل مختلف ختم شود. وی خاطر نشان کرد: بدون تردید، اختلاف نظر بین دو طرف وجود دارد؛ اما من به این مسئله خوش‌بین هستیم که در صورت وجود اراده، این اختلاف نظرها را می‌توان حل کرد.

ایران و عربستان سعودی پس از آغاز بحران در سوریه، روز به روز بیشتر از هم فاصله گرفتند و ریاض و تهران دو موضع کاملاً متناقض را در مورد بحران سوریه اتخاذ کردند. این رویکرد در نهایت، موجب شد هر یک به جبهه‌ای در سوریه کمک کنند که در تضاد با منافع دیگری بود. اقدامات عربستان سعودی در مسلح کردن گروه‌های تروریستی موجب دامن زدن به شکاف مذهبی در منطقه شد. البته تنش‌های ایران و عربستان تنها به سوریه محدود نبوده، بلکه در عراق، یمن، بحرین، لبنان و کل منطقه جریان یافته است.

با روی کار آمدن روحانی در ایران با وجود ابراز تمایل تهران برای برقراری روابط بهتر با ریاض، مقامات عربستان پاسخ روشنی به این درخواست ندادند. در چنین شرایطی، اهمیت نقش یک

میانجی بیش از هر زمان دیگری نمایان بود. در مجموع می‌توان گفت اگر دیپلماسی، برابند مجموعه فعالیت‌ها و تلاش‌های دولت مردان کشورهای مختلف برای به حداکثر رساندن منافع ملی و ارتقا و حفظ پرستیژ بین‌المللی و تأمین امنیت در خارج از مرزها باشد، می‌توان گفت کشور کوچک عمان در عرصه سیاست خارجی توانسته است الگوی مناسبی از دیپلماسی میانجی‌گری ارائه دهد. در این بین، مسقط در تبیین سیاست خارجی خود در چند دهه اخیر با توجه به تحولات و منازعات مختلف در منطقه خاورمیانه از اصول ثابتی پیروی کرده است. عمان به رغم عضویت در شورای همکاری خلیج فارس، همواره نسبت به همسایه شمالی خود (ایران) توجه بیشتری داشته و در برقراری ارتباط با قدرت‌های جهانی تعادل را حفظ کرده است.

- نقش عمان به عنوان سپر دفاعی ایران

یکی از مهم‌ترین نقش‌های مثبت عمان را در محور مقاومت می‌توان در قالب نقش این کشور به عنوان سپر دفاعی ایران یا کاهش‌دهنده تهدیدهای نظامی و امنیتی علیه تهران ارزیابی کرد. با توجه به پیشینه تاریخی روابط حسنه بین دو کشور، عمان در سال‌های بعد از انقلاب تنها کشور عربی بود که در جنگ ایران و عراق چه در قالب دیپلماتیک و چه در قالب عمل، از صدام حسین حمایت نکرد.

به طور کلی می‌توان ابراز داشت عمان موضع ایران را بیش از سایر کشورها مانند عربستان و امارات درک می‌کند. مقامات عمانی همواره در مذاکرات خود با سایر کشورها و طرف‌های دیگر از دیدگاه‌ها، سابقه تمدنی و فرهنگ ایران دفاع و در گفت‌وگو با شخصیت‌های سیاسی سایر کشورها همواره با دیده احترام به فرهنگ و تمدن ایران کرده‌اند. آنان تلاش کردند این دید را به سایر مقامات و شخصیت‌های سیاسی که با آنان در ارتباط و گفت‌وگو هستند، منتقل کنند و به نظر می‌رسد تاکنون خوب ایفای نقش کرده‌اند. ما بارها در اجلاس‌های منطقه‌ای شاهد طرح دیدگاه‌های ایران از زبان مقامات عمان بوده‌ایم. این امر حاکی از شناخت عمانی‌ها از سیاست‌های ایران است و این شناخت از استمرار گفت‌وگوها و رایزنی‌های بین مقامات دو کشور حاصل شده است.

در مجموع می‌توان ابراز داشت عمان با توجه به سطح بالای مناسبات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود با ایران که در چارچوب دیپلماسی موازنه مثبت آن را پیگیری نکرده، نقشی عمیق را در حفظ منزلت ایران به عنوان رهبر محور مقاومت داشته است. از بعد دیگری، نقش مسقط در کاهش تهدیدهای امنیتی و نظامی علیه ایران به شکل غیرمستقیم در تقویت محور مقاومت تأثیر عمیقی داشته است.

- نقش عمان در مسئله یمن با توجه به مرز مشترک این دو کشور

در مهم‌ترین اظهار نظر و موضع‌گیری، وزیر خارجه عمان در ۲۱ فروردین ۱۳۹۴ یعنی دو هفته پس از آغاز جنگ بر مخالفت کشورش با تجاوز به یمن تأکید و بیان کرد: نمی‌خواهیم تاریخ، نام کشور ما را به عنوان یک متجاوز به یمن ثبت کند. در همین راستا یوسف بن علوی، وزیر خارجه وقت عمان، در مصاحبه با رادیو الوصال درباره مسئله یمن بیان می‌کند: ما نمی‌خواهیم در تاریخ ثبت شود که عمان به یمن تجاوز کرد، زیرا احساسات جوشانی میان مردم عمان نسبت به یمن و تاریخ این کشور وجود دارد و ما بر این باوریم که یمن به ما تجاوز نکرده و هیچ موضعی از این کشور صادر نشده است که به ما ضرر برساند. بنابراین هیچ توجیهی برای مداخله ما در این کشور وجود ندارد. همچنین یوسف بن علوی گفت برخی طرف‌های عربی به تازگی نزد ما آمدند و گفتند که موضع ما نسبت به بحرین یمن خوب است و این موضع حتی از تمام جهان مطرح شده است. تماس‌های ما نیز با کشورهای حوزه خلیج فارس نشان داد که همگان برای پایان بحرین یمن از طریق راه‌های دیپلماتیک تلاش می‌کنند و این تلاش ما نیز هست. وی همچنین گفت: شکست اتحادیه عرب به ماهیت عرب‌ها برمی‌گردد، زیرا ما یکدیگر را خراب می‌کنیم و نمی‌سازیم. اتحادیه عرب بر اساس اصولی در دهه ۵۰ تأسیس شد و از زمان تشکیل، مهم‌ترین چالشی که داشت مسئله فلسطین بود. رهبران عرب خواهان رشد کشورهای عربی هستند؛ اما مشکل در دولت‌هاست (<http://www.isna.ir/news/۹۴۰۱۲۱۰۶۶۶۹>).

عمان در ائتلاف مبارزه با تروریسم که در ۲۴ آذر ۱۳۹۴ با حضور ۳۴ کشور عربی-اسلامی به رهبری عربستان تشکیل شد و نقشی عمده را در بروز جنایات در یمن داشت، مشارکت نکرد (<http://fa.alalam.ir/news/۱۷۶۹۸۵۲>). برگزاری مذاکرات بررسی توقف جنگ در یمن در آگوست ۲۰۱۵ (مرداد ۱۳۹۴) از نقش‌های میانجی‌گرانه و مثبت دیگر مسقط بوده است. در این نشست‌ها، نمایندگانی از انصارالله یمن و حزب کنگره ملی مذاکراتی را با میانجی‌گری وزارت خارجه عمان انجام دادند. به طور کلی، مقامات سیاسی عمان در عرصه بحرین یمن، نقشی ایجابی و مثبت در راستای حفظ منافع محور مقاومت ایفا کرده‌اند. بدون تردید، دعوت از انصارالله یمن برای مذاکرات صلح و تلاش برای ثبات در این کشور، نشان‌دهنده ظرفیت درخور توجه عمان در خدمت‌رسانی به محور مقاومت است.

نتیجه‌گیری

عمان در عرصه سیاست داخلی و خارجی توانسته است الگوی مناسبی از دیپلماسی میانجی‌گری برای تأمین امنیت و به حداکثر رساندن منافع ملی و کسب پرستیژ ارائه کند و با وساطت در

منازعات منطقه‌ای و بین‌المللی و اجرای نقش‌آفرینی در حل معضلات منطقه، تعریف جدیدی از موقعیت خود نشان دهد. عمان، کشوری اسلامی با مذهب اباضی است و پیروان این مذهب، اکثریت جامعه عمان را تشکیل می‌دهند. اهل سنت و شیعیان از دیگر گروه‌های عمده مذهبی در این کشور هستند. عمان اعتقاد دارد که راه‌حل اساسی برای حوزه کشورهای خلیج فارس، دوری از درگیری و حل مشکلات بین طرف‌ها از طریق گفت‌وگوست. عمان معتقد است که وجود بحران در هر یک از کشورهای حوزه خلیج فارس و خاورمیانه به سرعت به کشورهای دیگر از جمله عمان تسری می‌یابد. به دلیل همین سیاست‌های اصولی، عمان از معدود کشورهای خاورمیانه است که طی دهه‌های اخیر واسطه مکانی یا دیپلماتیک حل و فصل نهایی برخی بحران‌های مهم منطقه‌ای بوده است. از سوی دیگر، سلطان عمان با سیاست خارجی خود به‌رغم بودن در مجموعه کشورهای شورای همکاری که عربستان سردمداری آن را به عهده دارد، فاصله خود را با عربستان سعودی حفظ کرده است.

پادشاهی عمان در شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه عرب و سازمان همکاری‌های اسلامی نسبت به ایران نقشی مثبت بوده است. از زمانی که شورای همکاری خلیج فارس تشکیل شد، عمان به شرط اینکه به بحران‌ها و مناقشات عربی-عربی و دسته‌بندی‌های عربی-ایرانی ورود نکند، به عضویت آن درآمد. برای دهه‌ها، هدف‌گذاری سیاست خارجی مسقط، توازن بوده است. از نظر عمان، درگیری نظامی بین آمریکا و ایران خطر ژئوپلیتیکی و اقتصادی بزرگی برای منطقه و جهان دارد به همین دلیل، پادشاهی عمان برخلاف عربستان و برخی کشورهای شورای همکاری مایل نیست جمهوری اسلامی ایران از سوی آمریکا مورد حمله نظامی قرار گیرد.

این کشور برای اینکه نگاه‌های تند و تیز تهدیدمحور داخل و خارج را از حوزه‌های داخلی خود کم‌رنگ کند، به تقویت بعد میانجی‌گرانه خود پرداخت تا از سیاست انزواگرایی منطقه‌ای خارج شود. از طرف دیگر، احساس ضرورت همگرایی با ایران به عنوان قدرت و همسایه بزرگ به این کشور کمک کرد نقش میانجی‌گرانه‌ای در رابطه با مسائل منطقه‌ای ایفا کند. مطرح شدن حاکمیت و جایگاه دولت عمان و خروج از انزوای مزیت خوبی برای این کشور بود. جلب توجه و نظر دنیا به این کشور ضعیف به شکل خاص و خروج از انزوای منطقه‌ای از نتایج این سیاست بود. انحراف فشارهای سیاسی نهادهای بین‌المللی، حقوق بشری و برخی سازمان‌ها در حوزه بین‌الملل نسبت به کاستی‌هایی که درون حاکمیت این کشور زمینه را برای رفع نگرانی‌های تهدیدمحور نظامی عمان از جانب کشورهای همسایه فراهم کرد.

یکی از مسائلی که برای نزدیکی عمان جهت میانجی‌گری در حوزه اختلافات ایران با عربستان یا در حوزه پرونده‌های منطقه‌ای مهم است و موجب اقبال بیشتر عمان به ایران شده، این است که

عربستان همواره ادعای برتری و رهبری منطقه را نسبت به عمان داشته و این امر کمک کرده است که عمانی‌ها به سمت ایران گرایش بیشتری داشته باشند. ایران نیز وفاداری خود را در گذشته در بحث شورش ظفار و . . . به عمانی‌ها ثابت کرده است. به علاوه مهم‌ترین موضوع، ضلع دیگر تنگه هرمز است که ایران با عمان اشتراکاتی در این زمینه در حوزه راهبردی دارد. این مباحث کمک کرد ایران در مقایسه با عربستان برای نزدیکی و میانجی‌گری عمان، اقبال بیشتری نشان دهد. اگر به گذشته تاریخی، جغرافیایی، ژئوپلیتیکی و بافت انسانی، فرهنگی و مذهبی عمان رجوع کنیم و رفتار ایرانی‌ها با عمان را در نظر بگیریم، خواهیم دید که ایران، کشوری مطمئن برای عمان است و این مسئله، دلیل گرایش عمان به ایران به شمار می‌رود.



منابع و مأخذ

- انصاری جابری، رحیم (۱۳۹۵/۳/۳)، بررسی ظرفیت و نقش عمان در تحولات یمن، عراق و سوریه، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- آ. ک، هنریکسون (۱۳۸۸)، دیپلماسی نیچه‌ای در صفحه عمومی جهان: جایگاه جهانی کانادا و نروژ، در دیپلماسی عمومی نوین؛ کاربرد قدرت نرم در روابط بین‌الملل، به اهتمام ملیسن، ژ. و همکاران، ترجمه رضا کلهر و محسن روحانی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- پایگاه اینترنتی شیعه نیوز.
- رضایی، عابدین (۱۳۹۰)، تطور تاریخی شیعه در عمان، اطلس شیعه، مجله زمانه، ش ۱۰۵ و ۱۰۶.
- رنجکش، محمدجواد و حسین اصغری ثانی و احمد محقر (بهار ۱۳۹۲)، برندسازی در دیپلماسی نیچه‌ای قطر، فصلنامه مطالعات سیاسی، ش ۱۹.
- زارعی، علیرضا (خرداد ۱۳۹۵)، موقعیت شیعیان در ساختار حکومت عمان، مقاله پشتیبان، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، شماره ۵.
- سازمان جغرافیای نیروهای مسلح (۱۳۸۷)، ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس (با تأکید بر شیعیان)، تهران، انتشارات سازمان جغرافیای نیروهای مسلح.
- عرب، محمد (۱۳۷۷ شمسی)، آشنایی با مذهب اباضی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- عظیم‌زاده، جعفر (۱۳۹۵/۲/۲۶)، بررسی سیاست‌های میانجی‌گرایانه عمان، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، شماره ۲.
- فاخری، مهدی (تابستان ۱۳۷۹)، جهانی شدن و سیاست خارجی، با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال چهاردهم، شماره ۲.
- متقی‌زاده، زینب (۱۳۸۴)، جغرافیای سیاسی شیعیان: منطقه خلیج فارس، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی.
- مشهدی، مرتضی (۱۳۹۴)، عملکرد عمان در بحران‌های امنیتی، مقاله پشتیبان، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، شماره ۳.
- ملک مکان، حمید (۹۵/۱/۲۹)، اباضیه و شیعه اشتراکات، اختلافات و دیدگاه‌ها، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، صورت‌جلسه شماره ۱.
- ملک مکان، حمید (تابستان ۱۳۸۴)، امامت و حکومت از نگاه اباضیه، فصلنامه هفت آسمان، شماره ۲۶.
- مهدوی‌جو، محمود (بهار ۱۳۹۴)، اختلافات مذهبی عمان و عربستان، مقاله پشتیبان، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، شماره ۴.
- میرصفی، سید قاسم (شماره ۱۷۸۶۷)، جایگاه شیعیان در جامعه عمان، روزنامه کیهان.

- یگانه، عباس (۱۳۹۱)، عمان (کتاب سبز)، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول.
/http://iranbazgoo.persianblog.ir ▪

انگلیسی

- Albrto, L. (۲۰۱۲), Niche Diplomacy: A Key for Smaller States to Become Visible? The Example of Norway and Peacemaking Diplomacy, Retrieve. from: <http://publicandculturaldiplomacy.wordpress.com/۲۰۱۲/۰۳/۲۲/niche-diplomacy-a-key-for-smaller-states-to-become-visible>.
- Davis, H. E. and Dugan, M. A. (۱۹۸۲), Training the Mediator, Peace and Change.
- J. E, Peterson (۲۰۰۶), Qatar and the World: Branding for a Micro-State, Middle East Journal, Vol. ۶۰, No. ۴, autumn.
- <http://www.shia-news.com/fa/news>
- <http://www.yjc.ir/fa/news/۵۱۱۸۰۵۶>
- www.almuraqeb-aliraqi.org
- www.shia-news.com/fa/news/۴۹۸۹۳
- www.asrdiplomacy.ir
- <http://estoun.org/NewsDetail.aspx?itemid=۱۲>
- <http://www.zamane.info/۱۳۹۰/۱۱>
- www.shia-news.com/fa/news/۴۹۸۹۳
- <http://www.valiasr-aj.com/fa/page.php?bank=khavar&id=۱۹۵>
- <http://www.isna.ir/news/۹۳۰۴۳۱۱۸۲۴۵>
- <http://www.isna.ir/news/۹۴۰۱۲۱۰۶۶۶۹>
- <http://www.shia-news.com/fa/news/۱۱۴۴۹۰>
- <http://fa.alalam.ir/news/۱۷۶۹۸۵۲>

